

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۴۴

جمعه ۸ دی ۱۳۹۶، ۲۹ دسامبر ۲۰۱۷

جنبش سرنگونی قدرتمندتر میشود!

خلیل کیوان



دو رویکرد و دو گفتمان؛ سرنگونی و استحاله رژیم در دو دهه گذشته مهر خود را بر روندهای سیاسی کشور زده اند و تا امروز به موازات هم به پیش آمده اند. بدون مجاهدات طیف استحاله چی، جمهوری اسلامی نمی توانست تا امروز دوام بیاورد. حکومت ادامه حیات خود در دو دهه گذشته را تا حد زیادی مدیون این رویکرد است. آنجا که سرکوب مستقیم و خشن کارساز نبود مثل مقاطع ۷۸ و ۸۸ جریان استحاله و اصلاحات، رژیم را از زیر ضرب مستقیم مردم بدر برد و از سرنگونی نجات داد. خط استحاله اما اکنون در تنگنا قرار گرفته است و گفتمان سرنگونی موقعیت بهتر و دست بالاتری در گفتمان های جاری بدست آورده است.

بستگانشان مردم را بسوی مقابله گسترده با حکومت کشانده است. خبرنگار منطقه زلزله زده در غرب کشور روح حاکم بر اعتراضات مردم را بخوبی مقابل دوربین بیان کرده بود: 'مردم آرزو می کنند جمهوری اسلامی سرنگون بشه!'. اعتراضات پنجشنبه ۷ دیماه شهرهای مشهد، کاشمر، نیشابور و بیرجند علیه گرانی و فقر و بیکاری با شعارهای: اسلام رو پله کردید مردم رو ذله کردید، دزد غارت میکنند دولت حمایت میکنند، مرگ بر روحانی و مرگ بر دیکتاتور هم تأکیدی بر همین واقعیت بود. نقطه عطف های متعددی در چند ماه اخیر منجر به بهم ریختن صفوف استحاله چی ها و خط اصلاحات شده است؛ روحانی همینکه از انتخابات فارق شد از لفاظی های دوران انتخابات دست کشید و سرعت خود را در دست خامنه ای قرار داد. این خط که همه تخم مرغ های خود را در جریان انتخابات در سبد روحانی گذاشته بود به این ترتیب سر خورده شد و خود را ناتوان از تغییر اوضاع یافت. برجام هم که نقطه قدرتی برای این جریان محسوب میشد و کلید باز خواریهای مقامات، فرزندان و

ادامه در صفحه بعد

صحبتی با کارگران هپکو

اصغر کریمی

صفحه ۲

حزب و عضویت کارگری

شهلا دانشفر

صفحه ۳

مردم شهرهای خراسان علیه فقر و گرانی دست به تظاهرات زدند

صبح امروز هزاران نفر از مردم شهرهای مشهد، نیشابور، بیرجند و کاشمر، علیه گرانی و فقر و بیکاری و علیه وضعیت فلاکتبار خود دست به تظاهرات زدند و با شعارهای اسلام رو پله کردید مردم رو ذله کردید، دزد غارت میکنند دولت حمایت میکنند، و با شعار مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر روحانی، خشم و نفرت خود را علیه حکومت فاسد اسلامی و دزدان حاکم به نمایش گذاشتند. در مشهد نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی مردم را محاصره کرده و دست به تیراندازی هوایی زدند اما مردم با شعار تترسید تترسید ما همه با هم هستیم، متحد و استوار در مقابل آنها ایستادند. نیروهای سرکوبگر اینبار با گاز اشک آور و ماشین آب پاش سراغ مردم آمدند و مردم با سنگ به مقابله با آنها برخاستند و علیه بیکاری، گرانی و دزدی و فساد که سرپای حکومت را فراگرفته است، شعار دادند. مردم یزد، شاهرود، نوشهر، گناوه و چابهار نیز دست به تظاهرات مشابه زدند.

صفحه ۴

وضعیت در کردستان عراق

گفتگوی نسرين رمضانعلی با محمد آسنگران

صفحه ۵

مولوی در بی بی سی!

آرش دشتی

صفحه ۷

ما سلبی هستیم، گورتان را گم کنید!

مینا احدی

صفحه ۷

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۸

جنبش رهایی از حجاب اسلامی قدرتمندتر میشود

صفحه ۹

صحبتی با کارگران هپکو

اعتراضات قدرتمند شما را شنیده اند، با شما هستند و از جهنی که به شما و به همه آنها تحمیل شده، شدیداً معترضند. همراه با خانواده هایتان در شهر تجمع و راهپیمایی کنید و مردم را از تصمیم نهادهای امنیتی و قضایی مطلع کنید و بخواهید از شما قاطعانه حمایت کنند. احضار شما باید لغو شود و هر نوع پرونده ای علیه شما به دور ریخته شود.

حزب کمونیست کارگری و تلویزیون کانال جدید در کنار شما است. تاسستان را با ما محکمتر کنید.

ما احضار شما را قاطعانه محکوم میکنیم و کارگران آذربایجان، دانشجویانی که در اعتراض قبلی شما را مورد حمایت قرار دادند، مردم اراک و کلیه مراکز کارگری و تشکل های کارگری و آزادیخواه را فرامیخوانیم که به هر شکل که میتوانند از شما حمایت کنند.

اصغر کریمی

از طرف حزب کمونیست کارگری ایران

۱ دیماه ۱۳۹۶، ۲۲ دسامبر ۲۰۱۷

کنید که به دادگاه نمیایید و این کارفرما است که باید بجرم بالا کشیدن حقوق شما محاکمه شود نه شما. اعلام کنید که اگر اعتراض به بالا کشیدن حقوق شما جرم است، همه شما مجرمید و همه شما و خانواده هایتان در مقابل دادگاه حاضر خواهید شد تا مقامات به جمعیت جوابگو باشند. برنامه آنها روشن است میخواهند شما را به دادگاه بکشانند و تهدید کنند و وثیقه بگیرند تا کارگران کارخانه را از ادامه اعتراض بازدارند. اما شما با اتحادی که تا کنون داشته اید و با همراهی خانواده هایتان و با جلب همستگی مردم اراک قادرید این احضارها را به شکست کارفرما و ارگانهای همدست او تبدیل کنید.

مبارزه شما بسیار حق طلبانه است. بر اساس قانون آنها، شما به اخلاف در نظم و تجمع غیر قانونی متهم شده اید و کارفرمایی که پنج ماه حقوق شما را بالا کشیده و مزدورانی که بر سر شما باتوم فرود آوردند، عین قانون رفتار کرده اند. این منطق آنها و قانون آنها است. این منطق را باید بر سرشان خراب کنید. اکثریت عظیم مردم شریف اراک و هزاران نفر در سراسر کشور که اخبار

بدنبال اعتراضات قدرتمند شما در مهرماه امسال، بجای پرداختن حقوق های شما، نهادهای امنیتی و قضایی در تبنانی آشکار با کارفرمای هپکو بیست نفر از همکاران معترض تان را به دادگاهی در اراک احضار کرده اند. شما راهی جز عقب راندن آنها از این تصمیم و پشتیبان کردن آنها ندارید و گرنه شما را گام به گام عقب میرانند و شرایط دشوارتری را به همه شما تحمیل میکنند.

تجربه صدها اعتراض دیگر نشان داده است که حکومت و ارگان های سرکوبش در جریان اعتراض کارگران کوتاه میانند و حتی تملق کارگران را میگویند، اما همین که اعتراض به پایان رسید و آب از آسیاب افتاد تعدادی را احضار میکنند و برای آنها پرونده سازی میکنند، تهدید میکنند، آنها را وادار به دادن وثیقه میکنند و شمشیر زندان و اخراج را بالای سر آنها نکه میدارند. ولی شما توان ایتر دارید که باز هم متحد و یکپارچه همراه با خانواده هایتان به میدان بیایید. شما میتوانید کارگران آذربایجان و مردم آزادیخواه اراک را خبر کنید و همبستگی شان را جلب کنید. اعلام

داد که توسط دولت سازندگی رفسنجانی بشدت سرکوب شد. به این ترتیب مقابله سراسری مردم و حکومت برای یک دهه به محاق رفت تا بار دیگر در تیرماه ۷۸ در تهران و هیجده شهر دیگر با شعار "آزادی اندیشه با ریش و پشم نمیشه" و "مرگ بر دیکتاتور" عروج کند. حرکت سرنگونی طلبانه این بار هم با قهر حکومت روبرو شد و به شکست کشیده شد اما تاثیرات خود را بجا گذاشت. باز هم یک دهه دیگر وقت لازم بود تا مردم جراحات خود را ترمیم کنند و با انرژی و توان بیشتر روبروی حکومت قرار گیرند. سال ۸۸ جنبش سرنگونی با حضور میلیونی مردم در تهران و شهرهای دیگر میتوانست و ممکن بود که کار رژیم را یکسره کند. اکنون و پس از گذشته یک دهه دیگر، نشانه ها و شواهدی بسیاری از شروع رویارویی گسترده مردم با حکومت دیده می شود. اینبار جنبش سرنگونی می تواند و باید کار حکومت را یکسره کند.

این اوضاع شکاف های جناح های حکومتی را عمیقتر و جدال آنها را بیش از پیش به جلو صحنه رانده است. اتهام زنی های که سابقه مسئولین و مقامات طراز اول مملکت به یکدیگر، دهن لقی ها و لات بازی های آنها و سلب مسولیت از خود در مقابل مشکلات جامعه و مقصر دانستن یکدیگر سیمای دزد سالار و لمپن ماب جمهوری اسلامی را بیش از پیش در مقابل دید همگانی قرار داده است. وقایع ماه های گذشته بیش از پیش برای همه روشن کرده است که حکومت راهی برای تخفیف و حل بحران همه جانبه خود ندارد. همه جناح های رژیم آچمز شده اند. در این شرایط طیف های وسیعتری از مردم عزم شان را برای سرنگونی رژیم جزم کرده و یا خواهند کرد. رویارویی و تقابل گسترده مردم با حکومت اجتناب ناپذیر است. شواهد نشان میدهد که حکومت هم خود را برای این رویارویی آماده میکند. تلاش برای تشکیل گشت های «ویژه» سپاه پاسداران تحت نام حفظ امنیت در واقع کودتای خزنده سپاه و جناح راست و آمادگی برای مقابله با این وضعیت است. باید هوشیار و آماده بود.

از صفحه ۱

کردن قفل بسته اقتصاد تلقی میشود، بی فرجام ماند. در ماه های گذشته فقر و گرانی و بیکاری کار به استخوان مردم رسانده است. عملکرد دولت روحانی و نحوه برخورد آن به مسائل کشور از جمله فقر و گرانی و ارائه لایحه بودجه ای که فقر بیشتر مردم و ... جریان اصلاح طلبی و استحاله را بی اعتبارتر و بی آبروتر کرده است. بی اعتباری روحانی شکاف در اردوی ملی اسلامی ها و خط استحاله را تشدید کرده است و به طناب کشی در این اردوگاه منجر شده است. طیفی وسیع کسانی که تحول در اوضاع را از طریق اصلاح رژیم دنبال میکردند سر خورده شده اند و بعضاً بطور علنی به این موضوع اعتراف میکنند. در میان این طیف حتی از دو آتشه ترین طرفداران اصلاح رژیم هم دیده میشوند. کمپین "من پشتیبان هستم" و در مقابل آن کمپین "من پشتیبان نیستم" بوضوح شکاف در این طیف را بنمایش میگذارد. این شکاف جدی عمیق و گسترده است که خاتمی ناچار شد به کمپین من پشتیبان نیستم اردو کشی کند. بدنبال این شرایط، رویکرد و دیالوگ اصلاح رژیم در محاصره ای که سابقه ای قرار گرفته است. بهم ریختگی و ریزش نیرو در این طیف گسترش یافته است. این شرایط موجب فلج سیاسی اصلاح طلبان و اسباب کشی شماری بیشتری از مردم به جبهه سرنگونی میشود. شیب تحولات بنفع فراگیرتر شدن تمایلات و حرکت سرنگونی تغییر کرده است.

سرنگونی جمهوری اسلامی یک خواست قلبی و وسیع مردم ایران و به قدمت عمر رژیم است که در مقاطع مختلف و با یک فاصله زمانی تقریباً ده ساله چند بار به تقابل با رژیم منجر شده است. رژیم که در طی دهه اول حکومت موفق شده بود با توسل به سرکوب خونین مخالفین و جنگ هشت ساله، خود را روی پا نگه دارد با پایان جنگ با شورش گسترده مردم روبرو شد؛ در سال شصت و هفت و با ختم جنگ بلافاصله نارضایتی مردم شکل انفجار بخود گرفت، شورش در دوپست نقطه در سراسر کشور رخ

مشخصات شبکه ۲۴ ساعته تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "Kanal Jadid" در YAHSAT

بخش میشود.

مشخصات "کانال جدید" به این شرح است:

فرکانس: ۱۲۵۹۴ پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۰۰ FEC: ۲/۳

این مشخصات را به دوستان و آشنایانتان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

تلگرام: @kanaljadid1

حزب و عضویت کارگری

شهلا دانشفر



به عبارت روشنتر برای ما عضو يك انسان و يك مبارز في الحال اجتماعی و فی الحال درگیر مبارزه است که جذب حزب میشود. اما چه غیر کارگری برای عضویت دنبال افراد مستعد برای قالب های مبارزه سازمانی از پیش تعریف شده خود میگردد.

ندارد و این حزب به سابقه سیاسی و تعلق سازمانی قبلی افراد کاری ندارد. از نظر ما هر کس که برابری میخواهد، آزادی و رفاه برای همه میخواهد و نابرابری و تبعیض و بیعدالتی نمیخواهد، هر کس که استثمار و زور و سرکوب نمیخواهد، هر کس که به تبعیض و ستم علیه زن معترض است، هر کس که حکومت مذهبی و خرافه نمینخواهد، در جهت اهداف حزب مبارزه میکند و توصیه میکنیم برای فعالیت موثر و متشکل عضو حزب شود. حزب کمونیست کارگری ایران حزب همه کارگران است، حزب همه زنانی است که رهائی میخواهند، حزب جوانانی است که آزادی و عدالت میخواهند، و همه مردمی که میخواهند جمهوری اسلامی برود و بجای آن یک حکومت آزاد و برابر و انسانی حاکم شود.

اما سازمانهای چه رادیکال غیر کارگری عموماً سازمانهایی هستند که بر مبنای "اعتقادات" شکل گرفتهاند و شرط پذیرش برنامه به عنوان شرط عضویت به معنای پذیرش يك سیستم فکری غامض و پیچیده و مجموعه ای از کلیشه های فرقه و سازمانی است.

از نظر ما عضویت در حزب کمونیست کارگری صرفاً يك رابطه حقوقی نیست. بلکه رابطه ای واقعی و اجتماعی است.

عضویت در حزب کمونیست کارگری شرط ایدئولوژیک ندارد و این حزب به سابقه سیاسی و تعلق سازمانی قبلی افراد کاری ندارد. از نظر ما هر کس که برابری میخواهد، آزادی و رفاه برای همه میخواهد و نابرابری و تبعیض و بیعدالتی نمیخواهد، هر کس که استثمار و زور و سرکوب نمیخواهد، هر کس که به تبعیض و ستم علیه زن معترض است، هر کس که حکومت مذهبی و خرافه نمینخواهد، در جهت اهداف حزب مبارزه میکند و توصیه میکنیم برای فعالیت موثر و متشکل عضو حزب شود.

مکانیزم های عضوگیری در حزب نیز خود را نشان میدهد. از جمله شرط پذیرش برنامه است. روشن است که پذیرش برنامه، اساسنامه، و کار کردن در يك ارگان تشکیلاتی، شرایط اصولی عضویت در حزب است. اما معنای شرط پذیرش برنامه، برای ما اینست که عضو باید اهداف و آرمانهای ناظر بر حزب را بپذیرد. و اصول سازمانی حزب نیز روش فعالیت و زندگی سیاسی حزب در جامعه را بیان میکند. و در این چهارچوب است که عضو وظایف معینی را که برنامه و نقشه فعالیت سازمان جلوی پایش میگذارد به پیش میبرد. از نظر ما عضویت در حزب کمونیست کارگری صرفاً يك رابطه حقوقی نیست. بلکه رابطه ای واقعی و اجتماعی است. همانطور که بارها اعلام کرده ایم عضویت در حزب کمونیست کارگری ایران ساده است. همه کسانی که خود را در اهداف این حزب شریک میدانند، میتوانند عضو حزب شوند. عضویت در حزب کمونیست کارگری شرط ایدئولوژیک

میحث عضویت کارگری اینجاست که برای چه سنتی کارگر چه در بیرون از سازمان و بعنوان يك طبقه و چه بعنوان يك عضو و فعال سازمانی، فاقد يك خصلت اجتماعی است. به این معنا که در بیرون از سازمان در نزد آنها طبقه کارگر صرفاً يك صنف است و در درون سازمان نه بعنوان عنصری از يك طبقه اجتماعی، بلکه يك فرد و سلولی از تشکیلات است. اما برای ما بحث عضویت کارگری، بحث بر سر عضویت يك نیروی وسیع و متشکل از کارگران کمونیست و رهبران جنبشهای اعتراضی است که بدون آنکه عضو حزب باشند، سیاستهای حزب را جلو میبرند و به اشکال غیر اساسنامه ای و ظاهراً بدون ضبط و ربط با حزب رابطه برقرار میکنند. بحث عضویت کارگری برای ما به معنای وسعت دادن دامنه موجودیت حزب به نحوی است که فعالیت کارگر کمونیست علیه سرمایه داری حاکم را دربرگیرد و آن را به بخشی از خود تبدیل کند. و این چنین است که حزب به حزب پراتیک کارگر کمونیست تبدیل شده و رودرویی با سرمایه به مهمترین بخش پراتیک آن تبدیل میشود. و این جتهی است که همواره طی کرده ایم.

به عبارت روشنتر برای ما عضو يك انسان و يك مبارز في الحال اجتماعی و فی الحال درگیر مبارزه است که جذب حزب میشود. اما چه غیر کارگری برای عضویت دنبال افراد مستعد برای قالب های مبارزه سازمانی از پیش تعریف شده خود میگردد. طبعاً این تفاوت ها در رابطه با مساله عضویت، در ضوابط و

در متن جامعه در جریان است، مبارزه وقفه ناپذیر کارگر علیه سرمایه و سرمایه دار. از همین رو در این بحث يك تاکید مهم منصور حکمت اینست که سوسیالیسم کارگری يك حرکت زنده اعتراضی در جوامع سرمایه داری موجود است. و این جنبشی است علیه سرمایه داری که در برابر بورژوازی سنگریندی کرده و در جنگی هر روزه با نظام حاکم است. این جریانی است که متحزب نیست و در درون خود هزار و يك خط دارد. و برای ما مارکسیستها، حزب تشکل فعالین این جنبش و سنت های مبارزاتی آن و ابزار گسترش اعتراض این جنبش علیه سرمایه داری است. اما چه سنتی به جنبش کمونیستی موجود در درون طبقه کاری نداد و اصلاً آنرا به رسمیت نمی شناسد و با ملاکهایی که عمدتاً عقیدتی و فرقه ایست، این یا آن دسته احزاب و گروهها را جزو جنبش سوسیالیستی و کمونیستی میداند و یا نمیداند.

بعلاوه بحث عضویت کارگری صرفاً بر سر آوردن آحاد کارگر و عضو کردن آنها در حزب نیست. همچنین وقتی از حزب کارگری حرف میزنیم منظور حزبی نیست که لزوماً توده های کارگر را در خود جا داده باشد. بلکه بحث بر سر اینست که ما بعنوان يك حزب سیاسی، خود را سازمانده و درگیرنده فعالین جنبش اعتراضی طبقه کارگر و رهبران کارگری و حزب يك گرایش کارگری معین میدانیم. ما میکوشیم حزبی برخاسته از محیط اعتراض کارگری و درگیر در آن باشیم و ساختار اصلی و فعالیت اصلی ما متکی بر بخش پیشرو و کمونیست خود کارگران باشد. در همین راستا در طول سالها فعالیت آمار عضویت کارگران در حزب کمونیست کارگری همواره سیر صعودی داشته و این روندی مثبت و شورانگیز است.

تمایز دیگر ما با چه سنتی در

یکی از موضوعات مهمی که ما را با احزاب چه سنتی جدا میکند، تبیین از عضویت در حزب و جایگاه آنست. مبنای پایه ای این بحث اول بار توسط منصور حکمت در مرداد ۶۸ تحت عنوان "حزب کمونیست و عضویت کارگری" تبیین شد. او مینویسد: "هیچ چیز مانند چند و چون عضویت کارگران در احزاب و تشکیلاتهای چه مبیین خصلت طبقاتی آنها و موقعیت آنها در مبارزه بالفعل طبقات نیست."

منصور حکمت از موضوع عضوگیری کارگری بعنوان اولین اختلاف بنیادی میان سنت کمونیسم کارگری با چه رادیکال غیر کارگری نام میبرد. در این رابطه او مینویسد: "عضویت در حزب نقطه شروع مبارز شدن کارگر نیست. برعکس، حزب کمونیست کارگری حزب متشکل کننده کسانی است که فی الحال در يك مبارزه اجتماعی در حال جریان میان کارگر و سرمایه دار درگیرند و نقش پیدا کرده اند." سپس توضیح میدهد و مینویسد: "برای چه رادیکال مبارزه با عضویت فرد در سازمان شروع میشود. وظیفه سازمانی موجودیت سیاسی فرد را تعیین و تعریف میکند. در این سنت، این عضویت و پیوستن به تشکیلات است که قرار است به مبارزه جوئی فرد خصلتی اجتماعی بدهد." او ادامه داده و مینویسد: "در سنت چه رادیکال، سازمان مجرای مبارزه اجتماعی برای فرد است. برای کمونیسم کارگری، حزب سازمانده و هدایت کننده مبارزه اجتماعی ای است که

تمایز دیگر ما با چه سنتی در مبحث عضویت کارگری اینجاست که برای چه سنتی کارگر چه در بیرون از سازمان و بعنوان يك طبقه و چه بعنوان يك عضو و فعال سازمانی، فاقد يك خصلت اجتماعی است.

این گفتگمانی است که محمد جراحی از رهبران شناخته شده کارگری در روزهای آخر زندگیش به درون جنبش کارگری آورد. او با گفتن اینکه برای پیروزی سوسیالیسم به حزب نیاز داریم و با اعلام عضویتش در حزب کمونیست کارگری ایران در مقابل جنبش کارگری راه نشان داد.

حق داشتن حزب و عضویت در حزب دفاع کنیم. حق ماست که در حزب خود متشکل باشیم. این گفتگمانی است که محمد جراحی در این مقطع مهم تاریخی در جنبش کارگری به جلو آورد و با اینکارش تکانی به جنبش کارگری داد. زنده باد منصور حکمت، زنده باد محمد جراحی، یادشان گرامی باد.

همانطور که قبلا هم اشاره کرده ام همانقدر که شاهد عروج چپ در جنبش کارگری و در سطح جامعه هستیم، همانقدر که علیه سرمایه داری و برای رسیدن به سوسیالیسم گفتمان وجود دارد، باید گفتمان حزبی نیز به راه افتد. همانطور که از حق داشتن سندیکا و شورا و تشکلهای توده ای کارگری خود دفاع میکنیم و برایش می جنگیم، باید از

متشکل شدن فعالین کارگری در حزب طبقاتی خود و عضویت در آن است. حزب کمونیست کارگری برای همین تشکیل شده است و فراخوانمان به کارگران و به همه انسانهایی که میخواهند جامعه را از شر سرمایه داری رها کنند، اینست که به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید. این گفتگمانی است که محمد جراحی از رهبران شناخته شده کارگری در روزهای آخر زندگیش به درون جنبش کارگری آورد. او با گفتن اینکه برای پیروزی سوسیالیسم به حزب نیاز داریم و با اعلام عضویتش در حزب کمونیست کارگری ایران در مقابل جنبش کارگری راه نشان داد. و به این معنا به ضرورت زمانه پاسخ درستی داد.

جنبش کارگری و حزب خواندیم و یک قرار مهم مصوب این پلنوم در مورد تشکیلیابی حزب بود. این تاکید خصوصا در اوضاع سیاسی امروز جامعه، در شرایطی که عروج رادیکالیسم و چپ را در راس جنبش های جاری خصوصا، جنبش کارگری بوضوح میتوان دید. حقیقتی که هر روزه خود را در شعارهای اعتراضی علیه فقر، تبعیض و نابرابری و برای داشتن یک زندگی انسانی بیان میکند، اهمیت و جایگاه سیاسی تری بخود میگیرد. واقعیت اینست که جنبش کارگری، و جنبش های اعتراضی در جامعه هر روز سازمانیافته تر جلو می آیند. تاکید ما بر تحزبیابی جنبش کارگری است. تاکید ما بر

در آخر ضروری است چند کلامی نیز در زمینه اهمیت و جایگاه تحزبیابی کارگری که اولین گام آن عضویت در حزب است داشته باشیم. ما همیشه تاکید کرده ایم که باید در برابر جبهه عظیم سرمایه داری متحزب بود. رهبر و سازمانده مبارزه علیه توحش سرمایه داری حاکم حزب است. و برای رسیدن به سوسیالیسم، حزب میخواهیم. بنابراین یک تاکید مهم ما اینست که به همان به درجه ای که نقد سرمایه داری و ضرورت سوسیالیسم مهم و اساسی است، نقد پراکندگی و ضرورت و مطلوبیت حزب و عضویت در آن نیز اساسی است. از همین رو یک پلنوم ۴۷ حزب را پلنوم

کارگران تراورس خوزستان و لرستان همزمان دست به تجمع زدند

آهن بخشی از روند رو به رشد اعتصابات و اعتراضات سراسری کارگری است که از معلمان و بازنشستگان شروع شده و در دو سال گذشته به کارگران مخابرات و آتش نشانی و تراورس و برخی مراکز دیگر کشیده شده است. سازماندهی شبکه های کارگران در مدیای اجتماعی، زمینه تجمعات سراسری و بزرگتر را آماده تر کرده است.

حزب کمونیست کارگری، از مطالبات کارگران تراورس قاطعانه حمایت میکند و آنها را به اعتصابات و تجمعات سراسری در سطح کشور فرامیخواند. حزب خانواده های کارگران تراورس را فرامیخواند که مانند خانواده های کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد فعالانه در تجمعات اعتراضی کارگران تراورس شرکت کنند. حضور خانواده ها در اعتراضات کارگری از هر نظر این اعتراضات را قدرتمندتر و موثرتر خواهد کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ دیماه ۱۳۹۶، ۲۴ دسامبر
۲۰۱۷

صبح روز ۳ دیماه کارگران تراورس لرستان و خوزستان همزمان دست به تجمع اعتراضی زدند و به تعویق در پرداخت سه ماه دستمزد، عدم پرداخت حق بیمه آنها توسط کارفرما و نداشتن امنیت شغلی اعتراض کردند. کارگران تراورس خوزستان در مقابل اداره کل راه آهن زاگرس و کارگران تراورس خرم آباد در محل کار خود تجمعات خود را برپا کردند. کارگران شرکت تراورس که امور نگهداری خط و ابنیه فنی خط آهن را انجام میدهند، در سطح کشور ۷۰۰۰ نفر هستند که معضلات مشابهی دارند.

کارگران تراورس راه آهن در هفته های گذشته اعتراضات متعددی را در شهرهای مختلف سازمان دادند، از جمله در روزهای ۹ و ۱۰ دیماه، کارگران تراورس لرستان در مقابل مجلس شورای اسلامی و دفتر مرکزی شرکت راه آهن دست به تجمع زدند و در روز دوم تجمع کارگران تراورس تهران به آنها پیوستند. روز ۲۶ آذر نیز کارگران تراورس در تبریز مانع حرکت قطار تبریز به مشهد شدند.

اعتراض کارگران تراورس راه

مردم شهرهای خراسان علیه فقر و گرانی دست به تظاهرات زدند

ستوه آمده، متحدر و در ابعادی وسیعتر به میدان میایند تا بساط حاکمان دزد و جنایتکار را در هم بپسینند. تظاهرات امروز مردم مشهد، در آینده ای نزدیک در سراسر کشور گسترش خواهد یافت.

حزب کمونیست کارگری همه مردم در سراسر کشور را به گسترش اعتراض علیه فقر و گرانی و بیکاری و علیه چپاولگران حاکم فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۷ دیماه ۱۳۹۶، ۲۸ دسامبر
۲۰۱۷

بودجه های کلان به موسسات مذهبی و سرکوبگر و گروههای اسلامی در منطقه و بیت رهبری و مفتخوران حاکم و عدم تخصیص بودجه به نیازهای مردم میدهد، را دیده اند و میدانند که اقلیت انگل حاکم چه خواب های وحشتناکی برای آنها دیده اند. مردم میدانند که گرانی نان و آب و برق و سایر مایحتاج زندگی شروع شده و زندگی مشقت بارتتری را در پیش دارند. اعتراض در سراسر کشور زیانه میکشد، اعتصابات قدرتمند کارگری گسترش می یابد و مردم به

تظاهرات مردم شهرهای خراسان و شهرهای دیگر علیه فقر و گرانی، شروع تظاهرات میلیونی مردم در سراسر کشور خواهد بود. روزی نیست که مردم از رسانه های خود حکومتیان خبر دزدی های کلان مقامات و آیت الله ها را نشنوند. مردم میدانند که آستان قدس رضوی در کنار گوششان بر صدها میلیارد دلار ثروت و سرمایه نشسته و چگونه مردم را سرکیسه میکند و فقر و فلاکت را به مردم تحمیل میکند. مردم بودجه مصوب دولت و مجلس را که خبر از اختصاص

تاریخ دو حزب

مروری بر تاریخ دو حزب کمونیست ایران و حزب کمونیست کارگری ایران این نوشته بر مبنای مصاحبه تلویزیون کانال با حمید تقوایی جدید در سپتامبر ۲۰۱۵ تلویین شده است و در پنچ شماره انترناسیونال به شکل ضمیمه چاپ میشود.

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

وضعیت در کردستان عراق

گفتگوی نسرين رمضانعلی با محمد آسنگران



مردم بدون ابهام خواهان رفتن این حکومت هستند و با بلند کردن شعار "رحل" (بروید) میخواهند از دست همه آنها رها بشوند.

نسرين رمضانعلی: دولت کردستان در چه موقعیتی قرار دارد؟ رابطه احزاب با مردم و رابطه بین احزاب در قدرت و از جمله تناسب قدرت در پارلمان کردستان به چه ترتیب است؟

محمد آسنگران: اکنون حزب گوران و حزب جمعیت اسلامی از حکومت خارج شده و خود را احزاب اپوزیسیون تعریف میکنند. اما سیاست و برنامه آنها هیچ تفاوت جدیی با حاکمان قبلی و فعلی اقلیم ندارد. حکومت اساسا در دست دو حزب بارزانی و طالبانی است. مسعود بارزانی از ریاست اقلیم استعفا داده و دو نفر اصلی حکومت از جانب دو حزب نامبرده نیچروان بارزانی و قباد طالبانی هستند. پارلمان کردستان عراق بعد از دو سال تعطیلی به دستور بارزانی، در جریان رفراندم دوباره دست بکار شد اما بوسیله این دو حزب قرق شده است. ریاست قبلی آن که از گوران بود استعفا داد و اکنون چیزی که اسمش را پارلمان گذاشته اند متشکل از افرادی حلقه بگوش از این احزاب حاکم است و هیچ نقش سیاسی و قانونی جدیی در کردستان عراق ندارد. مردم کردستان عراق به درست آنرا يك مجلس کارتونی مینامند. لازم به تاکید است که خود این دو حزب در حکومت هم عملا در دو جبهه متفاوت قدرتهای منطقه ای قرار دارند. اتحادیه میهنی به چند دسته و گروه تبدیل شده است و دفتر سیاسی آن هم منحل گردیده و خانواده طالبانی در این حزب به دلیل حمایت جمهوری اسلامی و بغداد از آنها فعلا يکه تاز میدان هستند.

تحملی مواجه کرد. بورژوازی کرد میدانست که بعد از داعش این پیروزی و دستاورد از جانب بورژوازی عرب به چالش طلبیده خواهد شد و این تحول برای او قابل هضم نیست. به همین دلیل بورژوازی کرد مسئله رفراندم و استقلال کردستان که يك خواست عمومی مردم بود و سالها آنرا نادیده گرفته بودند را به اجرا گذاشت که از این طریق بتواند هم صف بورژوازی کرد را متحد کند و هم بغداد را در مقابل عمل انجام شده قرار بدهد.

اما حسابگری بورژوازی کرد این بار هم اشتباه بود زیرا نه صف بورژوازی کرد در کردستان عراق چنان متحد بود که شکاف نخورد و نه متحدین منطقه ای و جهانی آن با استراتژی سیاسی استقلال کردستان عراق در این مرحله رضایت دادند. این دو فاکتور بعلاوه نارضایتی و اعتراض مردم باعث شد صف بورژوازی کرد از درون متلاشی بشود. اتفاقات ۱۶ اکتبر (همپیمانی خانواده طالبانی با بغداد و جمهوری اسلامی علیه رقبای خود در اقلیم) و تحویل کرکوک به نیروهای حشد شعبی و ارتش عراق و به دنبال آن تصرف دوباره تمام مناطق مورد مناقشه بوسیله دولت بغداد ضربه کشنده ای بود که به حکومت اقلیم وارد آمد. بعد از این تحولات احزاب ناسیونالیست و اسلامی کردستان عراق بیش از پیش متفرق شدند و در جبهه های متفاوت منطقه ای قرار گرفتند.

بخشی از بورژوازی کرد در اتحادیه میهنی و مناطق تحت حاکمیت این حزب در استان سلیمانیه از سهم خود راضی نبود و برای دست رسی به سهم بیشتر امید خود را به کمک دولت بغداد و سپاه پاسداران گره زده است. اعتراضات اخیر بدون شك ادامه دار خواهد بود و مردم به این همه فقر و فلاکت و نابرابری رضایت نخواهند داد.

مهمترین نکته البته این است که اعتراضات اخیر با اعتراضات دوره های قبل متفاوت است. این بار

مردم دل خوشی از هیچ کدام از احزاب پارلمانی اقلیم کردستان ندارند. بی لیاقتی و فساد همه آنها را دیده و به آن معترض اند. اعتراض مردم به حاکمان کردستان عراق ناشی از نفرت و خشم بر حقی است که شامل همه احزاب پارلمانی و حکومتی این منطقه میشود.

محرور هستند. فقر و بیکاری و بی آینده و بی قانونی و حاکمیت احزاب و نه حتی دولت، مردم را بیش از پیش در تنگنا قرار داده بود. علاوه بر این فاکتورهای اصلی اتفاقات دیگری در عراق افتاد که بحران و نارضایتی مردم را وسیعتر کرد.

از سال ۲۰۱۳ به بعد اختلافات و سهم خواهی بورژوازی عرب و کرد تنشی را ایجاد کرد که شکاف آنها را بیش از پیش برجسته کرد. در سال ۲۰۱۴ بودجه ارسالی کردستان عراق از بغداد که شامل ۱۷ درصد از کل بودجه عراق میشد از طرف نوری مالکی قطع شد. داعش بخش وسیعی از عراق را تصرف کرد، اوضاع کردستان عراق بحرانی تر و آینده آن تاریکتر شد. جنگ با داعش برای مدتی موقت تنش بغداد و کردستان را تخفیف داد، اما بورژوازی کرد از راه نیروی نظامی تلاش کرد مناطق مورد مناقشه حکومت اقلیم و بغداد را به نفع خود یکسره کند. در شرایطی که ارتش عراق در سال ۲۰۱۴ به هزیمت افتاده بود و داعش در حال پیشروی به دروازه های بغداد بود تقریبا تمام مناطق کردنشین مورد مناقشه اقلیم و بغداد که شامل قانون ۱۴۰ میشد به تصرف نیروهای پیشمرگ در آمد. در چنین شرایطی تمام نفت استخراجی از چاههای نفت کرکوک و دیگر مناطق کردستان بوسیله حکومت اقلیم بفروش میرفت، اما همزمان به بهانه جنگ با داعش و قطع بودجه کردستان از طرف بغداد، حقوق کارمندان دولت و همه حقوق بگیران چند ماه پرداخت نشد و تصمیم گرفتند فقط ۲۵ درصد از حقوقها را پرداخت کنند. این شرایط زندگی مردم را با فشارهای غیر قابل

نسرين رمضانعلی: ریشه و بستر اعتراضات مردم کردستان عراق چیست؟ وضعیت اقلیم کردستان عراق پس از اعتراضات گسترده ای که در سلیمانیه و شهرهای دیگری به وقوع پیوست چگونه است؟ این تقابل و رویارویی مردم با حاکمین چه تاثیری را به جا گذاشته است؟

محمد آسنگران: ابتدا لازم است بگویم مردم دل خوشی از هیچ کدام از احزاب پارلمانی اقلیم کردستان ندارند. بی لیاقتی و فساد همه آنها را دیده و به آن معترض اند. اعتراض مردم به حاکمان کردستان عراق ناشی از نفرت و خشم بر حقی است که شامل همه احزاب پارلمانی و حکومتی این منطقه میشود. زیرا مردم در بیست و شش سال گذشته با تجربه خود دریافته اند که احزاب ناسیونالیستی و اسلامی کردستان عراق فقط به فکر زدی و چپاول بوده اند. مردم در عمل به این تجربه رسیدند و متوجه شدند که سران و نزدیکان این احزاب حاکم اکثر دزد و فاسد و چپاولگرند. چند صد نفری از مقامات این احزاب و نزدیکانشان به میلیونر و میلیاردر تبدیل شده اند و اکثریت قریب به اتفاق شهروندان کردستان عراق حتی از آب و برق که ابتدایی ترین نیاز زندگی است

بورژوازی کرد مسئله رفراندم و استقلال کردستان که يك خواست عمومی مردم بود و سالها آنرا نادیده گرفته بودند را به اجرا گذاشت که از این طریق بتواند هم صف بورژوازی کرد را متحد کند و هم بغداد را در مقابل عمل انجام شده قرار بدهد.

حزب بارزانی علیرغم انسجام درونیش تحت فشار متحدینی مانند آمریکا و ترکیه قرار دارد. هیچ کدام از این احزاب سیاست روشنی برای آینده ندارند و اینرا با صراحت بیان میکنند. حکومت منطقه ای آنها به تسانی آنها با قدرتهای منطقه ای و جهانی مربوط شده است و هیچکدام از این قدرتها هم آنها را قابل اعتماد نمیدانند. تنها کاری که دولتها با این احزاب انجام میدهند این است که در خدمت سیاست و استراتژی خود آنها را به عنوان مزدور یا مهره قابل استفاده بکار گیرند.

در چنین شرایطی بورژوازی و ناسیونالیسم عرب بیش از پیش در حال تعرض به این احزاب و تحقیر آنها است. مردم در چنین شرایطی نرفتشان از این احزاب بیش از پیش گسترده و تعمیق شده است. ماهیت فاسد و سرکوبگرانه آنها را نمیپذیرند و بی لیاقتی و بی کفایتی آنها را دیده اند و تحمل نمیکند.

نسرين رمضانعلی: گفته می شود که حزب گوران (حزب تغییر) و جمعیت اسلامی سازماندهندگان اعتراضات بودند و بعضا شنیده می شود که اعتراضات خود جوش بوده است و توسط مردم معترض صورت گرفته است. مردم در شعاریشان خواهان کناره گیری مسئولین شده اند. واقعیت چیست؟

محمد آسنگران: واقعیت این است اعتراضات مردم میلیونی و به وسعت کل جامعه است. اما این دو حزب به عنوان احزاب فرصت طلب تا همین چند روز قبل يك پایشان در حکومت بود و پای دیگرشان در

بخشی از بورژوازی کرد در اتحادیه میهنی و مناطق تحت حاکمیت این حزب در استان سلیمانیه از سهم خود راضی نبود و برای دست رسی به سهم بیشتر امید خود را به کمک دولت بغداد و سپاه پاسداران گره زده است.

مشکوک نامیدن شوراها و تشکل های کارگری عاقبت با خفت و سرگردانی سیاسی مرد. بارزانی هم با شکست طرح و برنامه هایش ناچار به استعفا شد. اکنون نوبت مردم است که حاکمیت مستقیم خودشان را بر ویرانه های حاکمیت احزاب "گردی" تجربه کنند.

و حشد شعبی به اسم حفظ امنیت مردم به استان سلیمانیه و کل کردستان لشکر کشی کنند... این پلان و برنامه مردم نبود. زیرا ما میدانیم مردم و جوانانی که جیب شان خالی است و مطالباتی دارند، مطالباتشان بر حق است. مردم این سیاست خشونت را نداشتند. مردم

حضور و دخالت جمهوری اسلامی در کردستان عراق بویژه در مناطق تحت حاکمیت اتحادیه میهنی امری غیر قابل انکار است و خود حاکمان و مردم هم اینرا میدانند و دیده اند. اما دخالت جمهوری اسلامی اساسا برای تحکیم حکومت بغداد است زیرا حکومت بغداد متحد اصلی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی است.

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

کانادا:

Canada, ICRC, Scotiabank
4900 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیسی ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
branch: Wood Green, Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

اکنون نوبت مردم است که حاکمیت مستقیم خودشان را بر ویرانه های حاکمیت احزاب "گردی" تجربه کنند.

عادی ناراضی نه دو هزار و پنج هزار بلکه صدها هزار نفر هستند. بنابر این اگر این برنامه مردم میبود هیچ نیرویی نمیتوانست در مقابل آنها مقاومت کند. در حزب اتحادیه میهنی جهتی و کسانی جود دارند و چند دولت منطقه هم از این سیاست حمایت میکنند که میخواهند ارتش عراق و حشد شعبی را به سلیمانیه و اربیل و دهوک بیاورند و همان طرح تسلیم کرکوک را تکرار کنند". این گفته ها هم واقعی است و هم نقش جمهوری اسلامی را بیان میکنند.

نسرین رضانعلی: مردم چگونه می توانند دست درازی حکومت ایران را به این منطقه را خنثی کنند؟

محمد آسنگران: مردم کردستان عراق مدت کوتاهی در اوایل دهه نود میلادی شوراها و حاکمیت خودشان را در ابعادی محدود تجربه کردند. آن دوره توهم به ناسیونالیسم کرد و احزاب آن باعث شد که آن تجربه حاکمیت شورایی گسترش پیدا نکند و شکست بخورد. اکنون با تجربه شکست خورده حکومت فدرالیستی احزاب ناسیونالیست و اسلامی کردستان و ماهیت فاسد و جنایتکارانه آنها هیچ کس از مردم آزادیخواه کردستان توهمی به هیچکدام از آنها ندارد.

بنابر این مردم برای خلاصی از این احزاب و برای رسیدن به جامعه ای آزاد و مرفه و برابر، تنها يك راه در پیش دارند و آن برقراری حاکمیت خود از طریق شوراهاى مردمی است. حکومت اقلیم کردستان و احزاب تشکیل دهنده آن تا مغز استخوان فاسد و جنایتکار هستند. اولین سرکرده آنها طالبانی بود که با

ایدئولوژیک جمهوری اسلامی است. اما برای این کار از راههای مختلفی و با تاکتیکهای متفاوتی تا کنون وارد عمل شده است. يك دوره ای میخواست اتحادیه میهنی را بوسیله اسلامیها تضعیف کند. دوره ای تلاش کرد با کمک به اتحادیه میهنی نیروی نظامی بارزانی را تضعیف کند. دوره ای که اختلافات درونی اتحادیه میهنی بالا گرفت تلاش کرد آنرا حل کند که در رقابت با بارزانی بتواند وزن بیشتری داشته باشند. دوره ای گوران را در مقابل اتحادیه میهنی تقویت کرد. اکنون بخشی از اتحادیه میهنی (خانواده طالبانی) را تماما با خود همراه کرده و آنها را در کنار حشد شعبی قرار داده است تا بتواند از این طریق هم بارزانی را تضعیف کند و هم کل مناطق اقلیم را چنان متلاشی کند که ناچار بشوند حاکمیت بغداد را بپذیرند. برای این کار در قدم اول اتفاقات ۱۶ اکتبر و تصرف کرکوک را خلق کردند و در ادامه در تدارک و زمينه سازی جنگی داخلی در کردستان است. حال این جنگ بین بخشهایی از خود اتحادیه میهنی باشد یا اتحادیه میهنی با بارزانی. تصور نمیکنم جمهوری اسلامی مستقیم در سرکوب اعتراضات شهرهای کردستان نیروی سرکوبگر خودش را بکار گرفته باشد.

اما يك چیز واضح است و یکی از اعضا دفتر سیاسی اتحادیه میهنی به اسم شیخ جعفر که فرمانده لشکر ۷۰ هم هست در مصاحبه ای با صدای آمریکا و تلویزیون رودا اینرا با صراحت اعلام کرده است. " گروهی در اتحادیه میهنی با حکومت عراق و حشد شعبی قرار داد بسته اند: همچنانکه کرکوک را تحویل آنها دادند میخواستند سلیمانیه و اربیل و دهوک را هم تحویل آنها بدهند. حتی خشونت در تظاهراتات کار این گروه بود نه مردم معترض. از این طریق خواستند بهانه ای درست کنند تا ارتش عراق

میان معترضین. دلیل اعتراض آنها و همراهی مرد رندی آنها با مردم نه برای تحقق مطالبات بر حق شهروندان، بلکه برای سوار شدن بر اعتراض مردم بود. تا از این طریق بتوانند همانند سال ۲۰۱۱ نتیجه اعتراض مردم را دستمایه سهم خواهی خود از رقبایشان بکنند. واقعیت این است که مردم از همه این احزاب متنفر هستند و خشم بی پایانی علیه آنها در میان مردم وجود دارد. مردم اعلام کرده اند که این احزاب را نمیخواهند. این حکومت را نمیخواهند. این قوانین و سنت و سیاست تا کنونی را نمیخواهند. مردم خواهان يك زندگی آزاد و مرفه هستند.

نسرین رضانعلی: حضور جمهوری اسلامی در عراق و اقلیم کردستان امر شناخته شده ای است. اخبار و شایعاتی دال بر حضور جمهوری اسلامی در درگیریهای اخیر و حتی دست داشتن در سرکوب اعتراضات در شهر رانیه و اطراف آن وجود دارد. آیا نیروهای جمهوری اسلامی نقشی در سرکوب اعتراضات داشتند؟ جمهوری اسلامی در کردستان عراق بدنبال چیست و چه سیاستی را در این منطقه دنبال می کند؟

محمد آسنگران: حضور و دخالت جمهوری اسلامی در کردستان عراق بویژه در مناطق تحت حاکمیت اتحادیه میهنی امری غیر قابل انکار است و خود حاکمان و مردم هم اینرا میدانند و دیده اند. اما دخالت جمهوری اسلامی اساسا برای تحکیم حکومت بغداد است زیرا حکومت بغداد متحد اصلی و

مردم برای خلاصی از این احزاب و برای رسیدن به جامعه ای آزاد و مرفه و برابر، تنها يك راه در پیش دارند و آن برقراری حاکمیت خود از طریق شوراهاى مردمی است.

مولوی در بی بی سی!

آرش دشتی

ما سلبی هستیم، گورتان را گم کنید!

یک انقلاب بزرگ علیه حکومت پهلوی، بیش از سه دهه زدند و کشتند و زندانی کردند و شلاق زدند، اما قدم به قدم در آن جامعه مبارزه شد، ذره ذره آنها را وادار به عقب نشینی کردیم و اکنون خودشان میگویند، جرات نداریم دست روی زن بلند کنیم سلبی نیستیم ایجابی شده ایم. بر پیشانی تمام این عقبگرد و ارتجاع در ایران مهر شکست زده شد. زنان در بدترین شرایط و با تسلط قوانین و فرهنگ عقب مانده اسلامی و مردسالارانه، گفتند انسانیم و از حرمت خود و انسانیت خود، دفاع کرده و فرهنگ و اخلاقیات و رابطه دیگری را با خودشان را در آن جامعه دامن زدند. اکنون همه در ایران میگویند، موقعیت زنان در خانه و مدرسه و دانشگاه بسیار با آنچه حکومت میخواست متفاوت است.

این موقعیت بهتر را با فداکاریها و رزمندگیها و کوتاه نیامدن های هزاران و هزاران نفر به دست آورده ایم. این دستاورد برگشت ناپذیر است. این بخشی از فرهنگ آن جامعه شد که زن و مرد انسان اند و باید برابر باید باشند. به زن نمیتوان بی حرمتی کرد، نمیتوان او را وادار به ازدواج کرد و نمیتوان او را در خانه حبس کرد و حقوق انسانی اش را به گروگان گرفت.

اکنون روسای ناجا و سران حکومت اسلامی میگویند سلبی نیستیم و ما پاسخ امان اینست ما سلبی هستیم، شما را نمیخواهیم بروید گورتان را گم کنید!

از فیسبوك مینا احدی

"رئیس پلیس تهران بزرگ مردادماه سال جاری اعلام کرده بود که رویکرد پلیس در اجرای طرح «گشت ارشاد»، «سلبی و قهرآمیز» خواهد بود و اساس کار این نیرو در برخورد با «ناهنجاری»، «ایجابی» است." رئیس پلیس تهران میگوید، ایجابی شده ایم و من میگویم شما را زنان قهرمان و نترس و شجاع در ایران وادار کردند، ایجابی شوید و چماق و زندان و شلاق و وقاحت اسلامی اتان را در پستوهای ادارات سرکوبگران قایم کنید، شما وادار به عقب نشینی شدید. این جناب و دم و دستگاه جهنمی اش همانهایی هستند که زنان "بدحجاب" را خونین و مالین میکردند، همانهایی هستند که بی احترامی میکردند، میزدند و دستگیر میکردند و با گرفتن پول و وثیقه و ... دستگیرشدگان را آزاد میکردند، اینها اکنون در روز روشن و با صدای بلند میگویند غلط کردیم!

غلط کردم گفتن های روسای ناجا و خزیدن اینها به فاز ایجابی، نتیجه مبارزات میلیونها زن آزاده در ایران است، نه فقط در عرضه مقابله با حجاب بلکه در همه زمینه ها!

جمهوری اسلامی ایران گفت زن نیمه انسان است، مرکز فساد و موجودی شیطانی است، گفت میتوان به زن امر و نهی کرد، میتوان به او تجاوز قانونی کرد، وادار به ازدواجش کرد و اگر دست از پا خطا کند میتوان سنگسارش کرد. این دستور قران و پیغمبرشان بود که بسیار کارساز بود برای ترساندن و پس راندن زنان و مردم در ایران بعد از

دوربین های بی بی سی، در بسیاری از مواقع دریچه هایش را بر روی زندگی و مبارزات کارگران و کارمندان و مردم حال حاضر در ترکیه و ایران و تاجیکستان و افغانستان و خلاصه در کشورهای اسلامزده می بندد

و کت شلواری بریده اند و دنبال فضایی برای نفس کشیدن می گردند.

بی بی سی از زمان تاسیس و در این سی سال اخیر نشان داده است که علاقه ی زیادی به نیش قبر کردن شخصیت ها و جریانات ملی اسلامی و فرقه های گمنام از صوفی و شیخی و اهل حق و یارسانی و سنی در کردستان و تالش و لرستان و سیستان گرفته تا دایرک و قونیه و کوبانی و سوریه و عراق و لبنان و کجا و کجا دارد و هر وقت و هر جا که منافع سرمایه داری جهانی اقتضا می کند، یکی از این موضوعات را رونمایی می کند و با بزرگ جلوه دادن آن، افکار عمومی را به نفع و یا ضرر (بستگی به مصلحت سرمایه داری دارد) مهندسی و کانالیزه می کند.

بی بی سی را از نظر ماله کشی بر دیوار کج و معوج و رو به ویرانی نظام سرمایه داری، می توان به دلچکی تشبیه کرد که معمولا پای معرکه ی بنیادها حاضر می شوند و با دلچ بازی، نگاه تماشاگران را به خود مشغول می کنند تا بنیادها و شعبده گر با خیال راحت به تردستی هایش بپردازد.

مولوی- هرچند که شاعر پرآوازه ای باشد- در زندگی امروز مردم در ایران و ترکیه چه نقشی دارد؟

از صوفیان منزوی و خانقاه نشین جدا از مردم قرون چهارم تا هفتم، جز مشتی حکایت و روایت و شطح و کرامات مجعول چیزی باقی نمانده است و بی بی سی عده ای را سر قبری به گریه می اندازد که اساسا مرده ای در آن نیست.

سرمایه داری و سرکوبگر حاکم بر این کشورها را نادیده می گیرد و با ذره بین به دنبال موضوعاتی می گردد که وزن زیادی ندارند اما بنا به ماهیت ملی و قومی و نژادی و زبانی می توانند تضادهای اصلی موجود در این کشورها را لاپوشانی کنند. جالب این جاست که دوربین بی بی سی دنبال سوزنی می گردد که هفتصد هشتصد سال قبل در انبارهای گاه سرمایه داری در ایران و کشورهای همسایه اش گم شده است و بخش وسیعی از مردم، آن را فراموش کرده اند ولی سرمایه داری و سیاست های سود محور بنگاه بی بی سی انگشت روی جنابیت های رو به فراموشی نوعی ناسیونالیسم زبانی و فرهنگی می گذارد و نمی گذارد این خرافات از ذهن مردم پاک شود. چون اگر آن اندیشه ها و فرقه های رو به اضمحلال از ذهن ها پاک شوند، بسیاری از جوانان به دنبال اندیشه های مدرن و سوسیالیستی خواهند رفت و این به زیان سرمایه داری است.

مجرى برنامه هنگامی که با یکی از نوادگان چندم مولوی دیدار می کند و نواده ی مولوی با هزار زور و ضرب، کلمه ی پلریزرگ را با فارسی نامفهومی به زبان می آورد، آنقدر ذوق زده می شود که برنامه از دستش در می رود و اشک شوق می ریزد!

مجرى که به نظر می رسد تحت تاثیر طریقت قرار گرفته و کشکول بلوش و جامه ی درویشی در شهر می گردد، از معجزات مولوی و مرادش - شمس تبریزی - می گوید و دروغ هایی از غیب شدن ها و غیبگویی های مولوی و شمس را بیان می کند که به جوك بیشتر شبیه است.

نکته ی جالب این است که این شخصیت سازی ها و جایگزین آفرینی ها درست در موقعیتی صورت می گیرد که جوانان ایران و ترکیه و خاورمیانه، از خرافات و مذهب و طریقت و شریعت و بقیه ی خزعبلات آخوندهای رنگارنگ عمامه ای و کراواتی و دشداشه پوش

بنگاه خبررسانی بی بی سی، امسال از میانه ی آذر ماه، با يك برنامه ی تلویزیونی دو قسمتی، با آب و تاب و با برك و دوزك به مولوی - شاعر قرن هفتم خورشیدی پرداخت.

مجرى و گزارشگر این برنامه (بلور بنفش) به قونیه ی ترکیه سفر کرد و يك برنامه ی پر و پیمان از زندگی و مرگ و مقبره و پیروان او (اهل طریقت) و موزه و نواده ی چندم محمد بلخی ضبط کرد و نمایشی از رابطه ی "مرید و مرادی" شماری اندک از پیروان مولوی را پخش کرد.

در بخش هایی از این برنامه، دوربین روی قبر و طرح های اسلیمی و نوشته های سنگ قبر و در و دیوار و روی پیراهن موربانه خورده و کلاه نمدی و کفش و کشکول منسوب به مولوی زوم کرد و مجرى و نویسنده ی برنامه کوشیدند اداهای موسوم به طریقت مولوی در جامعه ی ترکیه را که در بحران سرمایه داری و اسلامزدگی دست و پا می زند، عمده کنند و به عنوان سبکی از اندیشه و رفتار جوانان، به جامعه ی پر از تناقض ترکیه حفته نمایند.

دوربین های بی بی سی، در بسیاری از مواقع دریچه هایش را بر روی زندگی و مبارزات کارگران و کارمندان و مردم حال حاضر در ترکیه و ایران و تاجیکستان و افغانستان و خلاصه در کشورهای اسلامزده می بندد و آن همه مشکلات و سوژه ها و دولت

بی بی سی را از نظر ماله کشی بر دیوار کج و معوج و رو به ویرانی نظام سرمایه داری، می توان به دلچکی تشبیه کرد که معمولا پای معرکه ی بنیادها حاضر می شوند و با دلچ بازی، نگاه تماشاگران را به خود مشغول می کنند تا بنیادها و شعبده گر با خیال راحت به تردستی هایش بپردازد.

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر



مدیای اجتماعی به ابزار مهمی برای سازماندهی اعتراضات حول خواسته‌های سراسری تبدیل شده است. میتوان از این امکان سود جست و به استقبال تجمعات سراسری علیه بیکاری رفت. خانواده‌ها یک نیروی مهم در این جنبش اعتراضی هستند.

حمله سروکوبگران شهرداری به دستفروشان در اهواز

روزهای سوم و چهارم دی ماه؛ نیروی انتظامی به همراه ماموران شهرداری به بساط فروشان در خیابان ۵ کارگر کوی گلستان شهر اهواز هجوم برده و اقدام به تخریب و مصادره اموال دستفروشان کردند. این اولین بار نیست که نیروهای سروکوب شهرداری دستفروشان را مورد حمله و تعرض قرار میدهند. شاید آنچه‌ی که میتوان گفت متفاوت است، مقاومت و اعتراض در برابر این سروکوبگری هاست. از جمله دستفروشان در اهواز با ماموران شهرداری درگیر شدند و مانع مصادره اموالشان میشدند. در جریان این درگیری نزدیک به ۶۰ نفر از دستفروشان از جمله خانم مجیده مرزعه از دستفروشان بازار عبدالحمید اهواز بود دستگیر شدند.

دستفروشان بخشی از کارگران بیکار هستند که برای بقای زندگیشان با اندک اندوخته‌ای به این کار مشغولند. در مقابل تعرض سروکوبگران شهرداری از دستفروشان وسیعاً حمایت کنیم. دولت مسئول است که شرایط اشتغال آنها را فراهم کند. دولت در قبال تأمین زندگی آنها مسئول است. بیمه بیکاری، بیمه درمانی، تحصیل رایگان حقوق مسلم همه مردم است. دستفروشان دستگیر شده در اهواز باید فوراً آزاد شوند.

احضار و پرونده سازی علیه کارگران هپکو محکوم است

کارگران هپکو و مبارزات

تجمع اعتراضی در مقابل وزارت کار در حمایت از رضا شهبایی، ادامه اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه، تجمع جوانان بیکار در خرمشهر با شعار مرگ بر بیکاری، حمله به دستفروشان اهواز و درگیر شدن دستفروشان با ماموران سرویکور شهرداری، احضار ۲۰ کارگر هپکو به دادگاه و محکومیت این احضارها از جمله سرتیترها مهم اخبار و مسائل کارگری در هفته گذشته است.

تجمع اعتراضی در حمایت از رضا شهبایی مقابل وزارت کار

پنجم دیماه بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده در حمایت از رضا شهبایی کارگر زندانی و عضو هیات مدیره سندیکای واحد برپا شد. خانم ربابه رضایی همسر او اعلام کرده بود که در این روز برای نجات جان همسرش بخاطر وضعیت وخیم جسمانی او و در دفاع از وی در مقابل وزارت کار خواهد بود. سندیکای شرکت واحد، گروه اتحاد بازنشستگان، گروه نوزده اسفند و جمع‌هایی از دانشجویان و فعالین اجتماعی نیز به این حرکت اعتراضی پیوستند. در این روز از ترس گسترش دامنه اعتراض و بلند شدن دوباره فریاد کارگر زندانی آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، با همدستی عوامل امنیتی و نیروی انتظامی و عوامل وزارت کار جمعیت حاضر در محل وحشیانه مورد حمله قرار گرفت و خانم ربابه رضایی همراه با ۵۱ نفر بازداشت و به اوین انتقال یافتند. اما زیر فشار کارزار قدرتمندی که در حمایت از رضا شهبایی در جریان است و در هراس از تبعات اجتماعی این دستگیری‌ها بعد از چند ساعت تمامی دستگیر شدگان آزاد شدند. این عقب‌نشینی بیش از هر چیز قدرت کارگران را به نمایش گذاشت و خود اتفاق مهمی بود و تجمع کنندگان نیز بر ادامه کارزار برای آزادی رضا شهبایی و قرار گرفتن او

اتفاقات، شروع به احضار و پرونده سازی علیه این کارگران کرده و ۲۰ کارگر هپکو را به دادگاه احضار کرده است تا دستاوردهای این اعتراضات را خنثی کند. نباید اجازه دهیم. تعرض به کارگران هپکو، تعرض به کل جنبش کارگری است و باید در برابرش ایستاد. خوشبختانه این احضارها تا هم اکنون با سدی از اعتراض روبرو شده است. از جمله در همین مدت اتحادیه آزاد کارگران ایران و انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه طی بیانیه‌هایی این احضارها را محکوم و خواستار لغو پرونده‌های امنیتی تشکیل شده برای این کارگران شده‌اند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران در بیانیه خود خواستار منع فوری تعقیب کارگران هپکو، پرداخت فوری دستمزدهای معوقه آنان و فراخواندن کارفرما به محاکم قضایی به جرم عدم پرداخت مزد کارگران شده و از همه تشکلهای و نهادهای مستقل کارگری در کشور و سازمانهای کارگری جهانی خواستار حمایت از کارگران هپکو شده است. انجمن برق و فلزکار کرمانشاه نیز در بیانیه خود خواستار اعتراض علیه اتهام زنی و پرونده سازی و احضار ۲۰ کارگر هپکو، بازداشت و مجازات کارفرما شرکت هپکو به جرم نپرداختن به موقع دستمزدها و اتهام زنی به کارگران شده است. به این حمایت‌ها پیوندیم و وسیعاً از کارگران هپکو و مبارزانشان حمایت و پشتیبانی کنیم.

دور جدید اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه

روز ۶ دیماه دور جدید اعتصاب و اعتراض کارگران بازنشسته نیشکر هفت تپه با بستن مسیر بهره برداری جهت اعتراض به

درخشان آنها در دو سه ساله اخیر دستاوردهای مهمی برای این کارگران و کل جنبش کارگری داشته است. از جمله راهپیمایی با شکوه آنها و سر دادن سرود آزادی زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی، امروز به سرودی به یاد ماندنی در جنبش کارگری و جنبش برای رهایی علیه توحش سرمایه داری حاکم تبدیل شده است. در شهریور و مهر ماه بود که کارگران هپکو در اعتراض به ۵ ماه دستمزد معوقه و خطر تعطیلی کارخانه و بیکار شدن از کار خود همراه با کارگران آذر آب اراک که دردهای مشترکی داشتند به خیابان آمدند و دست به تجمع و اعتراض زدند، با سروکوبگران نیروی انتظامی در خیابان درگیر شدند و در نتیجه این اعتراضات آنچنان بازتاب اجتماعی وسیعی پیدا کرد که بلافاصله فرمانده نظامی استان مرکزی به غلط کردن افتاد. در صدا و سیما جمهوری اسلامی از کارگران عذرخواهی شد. بعد هم، دیگر مقامات دولتی و نهادهای دست ساز حکومتی در اشکال مختلف شروع به عقب نشینی کرده و وعده و وعیدها دادند. حتی ربیعی بطور اضطراری به شهر اراک سفر کرد و با تجمع اعتراضی کارگران هپکو روبرو شد.

در آن هنگام حکومتیان عقب نشستند، چون زمزمه اعتراض در دیگر کارخانجات شهر از جمله آوانگان که با مشکلات مشابهی دست و پنجه نرم میکنند، بالا بود. چون در ادامه اش میتوانست به وارد میدان شدن خانواده‌های کارگران و گسترش دامنه اعتراضات به کل شهر منتهی شود. به عبارت روشنتر این اعتراضات یک شکست سیاسی برای حکومت بود. از همین رو اکنون رژیم با گذشت چند ماه از این

جنبش رهایی از حجاب اسلامی قدرتمندتر میشود

در مقابل حکومتی که از هر طرف آماج اعتراض مردم قرار گرفته و در گل گیر کرده است، با قدرت و وسعت بیشتری به جلو می‌رود و سنگر به سنگر ارگان‌های سرکوب حکومت را به زانو در خواهد آورد. عقب‌راندن حکومت باید تا به آخر انجام شود. کل قوانین اسلامی ضد زن باید دور ریخته شود. آپارتاید جنسی باید از اساس ملغا شود. جدا سازها، قوانین مربوط به حجاب، تبعیضات علیه زنان، و کل دستگاه‌های ضد زن باید برچیده شوند. و این به معنای برچیده شدن کل بساط جمهوری اسلامی است. از نظر زنان و همه مردمی که در مقابل آپارتاید اسلامی چندین دهه است ایستادگی و مبارزه می‌کنند، قانون اساسی و کل قوانین اسلامی حکومت و سنت‌های اسلامی و کل نهادهای اسلامی ضد زن هستند و باید برچیده شوند. انتخاب دیگری در برابر ما مردم برای دست یافتن به زندگی انسانی و برابر و آزاد وجود ندارد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۷ دیماه ۱۳۹۶، ۲۸ دسامبر
۲۰۱۷

ابتدا در مقابلشان ایستاد و جنایتکاران حاکم را متوجه کرد که زورشان به زنان و مردم آزاده نمی‌رسد. حالا می‌خواهند زنان را تحت آموزش همان اوباش اسپدپاش و قمه کش ضد زن قرار دهند. اما همان زنان شجاع و جنبش آزادیخواهانه‌ای که حکومت اسلامی را به این حال و روز انداخته است، کلاس‌های آموزشی‌شان را نیز در نقطه خفه خواهد کرد. جمهوری اسلامی اما به سادگی دست از برخورد قهرآمیز با زنان و بی‌حجابی برنمی‌دارد. همزمان با فرمانده نیروی انتظامی، عباس جعفری، دادستان جمهوری اسلامی، دارد شاخ و شانه میکشد و به این نظر برخی حکومتیان که "مشکل جامعه چند تار مو نیست" حمله کرده و میگوید مساله حجاب فراتر از پوشش است و شامل حوزه‌هایی مثل سینما و مطبوعات و ادارات و نحوه رفتار در جامعه می‌گردد. در واقع مبارزات قدرتمند و گسترده زنان و مردم آزادیخواه شکاف عمیقی در صفوف حکومت ایجاد کرده و آنها را در مقابل جنبش قدرتمند مردم علیه زن ستیزی به زانو درآورده است. این مبارزه امروز

فرمانده نیروی انتظامی تهران می‌گوید "ماموران پلیس تهران دیگر کسانی که شئون اسلامی را رعایت نمی‌کنند به بازداشتگاه نمی‌برند و پرونده تشکیل نمی‌دهند بلکه آنها را به کلاسهای آموزشی می‌فرستند. او گفته است که رویکرد پلیس در اجرای طرح گشت ارشاد، سلبی و قهرآمیز نخواهد بود و اساس کار این نیرو در برخورد با ناهنجاری، ایجابی است". ۳۹ سال زدند و کشتند و اسید پاشیدند و سنگسار کردند و خشونت‌بارترین و قهرآمیزترین جنایات را علیه زنان و مردم سازمان دادند، اما امروز مجبورند اعتراف کنند که این سیاست‌ها کارساز نبوده و شکست خورده است.

فرمانده نیروی انتظامی وقتی می‌گوید دیگر زنان را به خاطر حجاب به زندان نمی‌فرستیم دارد در مقابل جامعه اعتراف می‌کند که چند دهه جنایت و زندان و بگیر و ببند و تعرض به زندگی زنان شکست خورده است. اینها لشکر اوباش خود را، اسپدپاشان و قمه کشان لمپن‌شان را از همان فردای قیام ۵۷ به خیابان فرستادند اما جنبش ضد اسلامی و جنبش رهایی زن از همان

نقش برجسته خانواده‌ها در این اعتراضات از نقطه قوت‌های مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه است.

اعتراضات گسترده در میان کارگران راه آهن

پنجم دیماه کارگران راه آهن اندیمشک همزمان با سایر نواحی راه آهن برای دریافت مطالبات خود دست به تجمع اعتراضی زدند. اعتراض این کارگران به پرداخت نشدن سه ماه حقوق، دو ماه حق بیمه و قراردادهای کوتاه مدت یک ماهه و نداشتن امنیتی شغلی شان است. روز سوم دیماه نیز کارگران تراورس لرستان و خوزستان همزمان دست به تجمع اعتراضی زدند و اینها همه معضلات هفت هزار کارگر تراورس در سطح کشور است. نقطه مهم سازمانیافته تر شدن مبارزات این کارگران از طریق تشکیل گروه‌های تلگرامی و فراهم شدن زمینه بیشتر برای رفتن بسوی اعتراضات سراسری است. در چنین شرایطی خانواده‌های این کارگران نیز نقش مستقیم تری در اعتراضات کارگران خواهند داشت.

نپرداختن مطالباتشان و وعده دروغین کارگزاران شرکت شروع شد. از سوی دیگر کارگران هفت تپه متحد و یکپارچه قرار و مدارشان اینست که اگر در وعده بعدی پرداخت حقوق آنها که به گفته مدیرعامل اسدیگی و فرماندار روز ۱۴ دی ماه خواهد بود، وعده هایشان عملی نشود، اعتصاب گسترده خود را برای گرفتن تمام طلبهایشان به راه خواهند انداخت. کارگران نیشکر هفت تپه خواستار عملی شدن تمامی وعده‌های داده شده هستند. پرداخت فوری طلبهای کارگران مطابق جدول زمانبندی شده، برکناری مدیران ضد کارگر، قراردادی شدن کلیه قراردادهای روزمزد، پرداخت برخی مزایای شغلی، افزایش برخی مزایای شغلی که نتیجه آن افزایش سطح دستمزدهای چند بار زیر خط فقر آنانست از جمله خواستهای فوری این کارگران است. بعلاوه یک تاکید کارگران هفت تپه در مبارزاتشان داشتن حق تشکل و رسمیت داشتن سندیکای نیشکر هفت تپه بوده است. مبارزات قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه، اتحاد و همبستگی کارگران این مجتمع و

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

تجمع اعتراضی کارگران گروه فولاد ارومیه و کمباین سازی تبریز

کنار این کارگران شرکت کرده و اعتراض کنید. امروز دفاع از این کارگران دفاع از زندگی همه مردم است.

حقوق و مطالبات کارگران فولاد ارومیه و کمباین سازی تبریز باید فوراً پرداخت گردد. همه کارگران اخراجی باید از بیمه بیکاری مکفی برای زندگی انسانی برخوردار شوند. برای رسیدن به این خواستها باید به مبارزه ادامه داد.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۷ دیماه ۱۳۹۶ برابر با ۲۸ دسامبر ۲۰۱۷

نشینی کرده و حقوقتان را از حلقوم سرمایه دار و دولت اش بیرون بکشید. نفس اعتراض امروز شما از زندگیتان برمیاید. برای کارفرما و دولت حامی سرمایه دار زندگی شما و خانواده تان اهمیتی ندارد. باید به مبارزه تان با قدرت ادامه دهید.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن حمایت از مبارزات شما، از همه کارگران و مردم می‌خواهد که از مبارزه و اعتراض کارگران فولاد ارومیه و کمباین سازی تبریز حمایت کنند. در تجمعات اعتراضی شان در مقابل ادارات دولتی و کارخانه‌ها در

«سازمان (توقیف) اوقاف کارخانه کمباین سازی را توقیف و کارگران مظلوم آن را در به در و راهی کوچه و بازار کرد.»

کارگران گروه فولاد ارومیه و کمباین سازی تبریز!

همانطور که در طول ماههای گذشته تجربه کرده اید، قول و وعده و وعید های مسئولین دولتی و کارفرما پوچ و بی پایه است. باید به اعتصاب و اعتراض خیابانی پیگیرانه ادامه داد. با همراهی خانواده‌هایتان و همراهی سایر مردم و کارگران در این اعتراض، میتوانید دولت و مسئولین را وادار به عقب

بنا به خبر درج شده در رسانه‌ها در تاریخ ۶ دیماه کارگران کارخانجات گروه فولاد ارومیه و کارگران کمباین سازی تبریز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مطالبات معوقه شان، دست به تجمع اعتراضی در مقابل استانداری ارومیه و درب کارخانه کمباین سازی زدند. این کارگران به رسانه‌ها اعلام کرده‌اند که:

"دیگر از سر دادن وعده‌های پوچ و توخالی مسئولان خسته شده‌ایم" "هیچ می‌دانند زمانی که کودکانمان گرسنه می‌خواهند حالمان چگونه است؟"

Yahsat
کانال جدید
KANALJADID

فرکانس
۱۲۵۹۴

پلاریزاسیون
عمودی

سیمبل ریت
۲۷۰۰

اف ای سی
۲/۳

fb.com/
wpiran/

Free Them Now!

تمامی دستگیر شدگان تجمع ۵ دیماه آزاد شدند. رضا شهابی باید فوراً آزاد و تحت درمان قرار گیرد



همانطور که در اطلاعیه قبلی اطلاع دادیم روز پنجم دیماه بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده از سوی خانم ربابه رضایی همسر رضا شهابی کارگر زندانی که گفته بود برای نجات جان همسرش در این روز در مقابل وزارت کار خواهد بود، تجمعی با شرکت اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، تعدادی از کارگران، بازنشستگان، دانشجویان و فعالین اجتماعی در حمایت از این فراخوان برگزار شد. این تجمع با هجوم وحشیانه نیروهای انتظامی روبرو شد و طبق آخرین خبرهای منتشر شده از سوی سندیکای واحد تعداد بازداشتی ها به ۵۱ تن رسید که ۴۱ نفر از آنان مرد و ده نفر دیگر زن بودند که اسامی تعدادی از آنان که اعلام شده بود عبارت بودند از: ربابه رضایی، محمد حسن پوره، حسن سعیدی، پویا جانی پور، سیاوش امجدی، مهلی توپچی، محمد شهابتی، ریحانه انصاری، امیر عباس آذروند و تهمنه خسروی بنا بر آخرین خبر منتشر شده از سوی سندیکای واحد تمامی دستگیر شدگان تجمع اعتراضی پنجم دیماه آزاد شدند.

هم اکنون کارزاری وسیع در حمایت از رضا شهابی در جریان است. تشکلهای مختلف کارگری از وضعیت او ابراز نگرانی کرده و خواستار آزادی وی شده اند. در سطح

درمان وی شده اند.

رضا شهابی با اتهاماتی امنیتی و بخاطر مبارزاتش ۵ سال حکم زندان داشت و در سال ۹۴ آزاد شد. اما علیرغم آن در ۱۸ مرداد ماه دوباره بازداشت شد و بنا بر آخرین خبرها و بعد از اعتراضات بسیار تاریخ آزادی او هجدهم دیماه ثبت شده است. رضا شهابی در این مدت در زندان دوباره دچار سکتة خفیف مغزی شده و پزشک معالج وی مانند رضا در زندان را خطرناک اعلام کرده است و وضعیت جسمانی وی وخیم گزارش میشود. جمهوری اسلامی در قبال جان رضا شهابی و هر اتفاقی که برای او بیفتد

بین المللی نیز این کارزار با حمایت های گسترده ای روبرو شده است. آخرین نمونه آن حمایت یازده کنفدراسیون و سندیکا از کشورهای ارویایی فرانسه، سوئد، ایتالیا و اسپانیا در ۲۵ دسامبر به اسامی سی اف دی تی، اس ژت، اف اس یو، سولیدر، اولسا، از فرانسه، کنفدراسیون سی جی آی ال از ایتالیا، کنفدراسیون سی سی او از اسپانیا، کنفدراسیون ال او از سوئد، سندیکای ترانسپورت از سوئد، سندیکای آی اف متال از سوئد و کمونال از سوئد است که طی بیانیه ای حمایت خود را از رضا شهابی اعلام کرده و خواستار آزادی فوری و

مسئول است. رضا شهابی باید فوراً آزاد و تحت درمان قرار گیرد. پرونده امنیتی او باید تماماً بسته شود. تمامی احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی باید فوراً لغو شود. وسیعاً به کارزار برای آزادی رضا

شهابی و علیه امنیتی کردن مبارزات پیوندیم.
۵ دی ماه ۹۶

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
Shahla.daneshfar2@gmail.com
http://free-them-now.com/

انترناسیونال

نشریه حزب
کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان
مسئول فنی: سهند مطلق

ایمیل: anternasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

تراکت های حزب
کمونیست کارگری ایران
را تکثیر و وسیعاً پخش کنید
www.wpiran.org